

رویکرد تطبیقی لیبرالیسم و پست‌مدرنیسم نسبت به بحران خشکسالی در خاورمیانه

عباس مثنوی^۱

چکیده

محیط‌زیست امروزه از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات روابط بین‌الملل برخوردار است. پیش‌بینی می‌شود جدی‌ترین بحران‌های آینده بشر در حوزه محیط‌زیست باشد و کشورهای درحال توسعه بیشترین آسیب را از بحران‌های زیست‌محیطی متوجه خواهند شد. در میان کشورهای درحال توسعه کشورهای منطقه خاورمیانه به علت ماهیت امنیتی و چالش‌برانگیز اختلافات و قرارگیری عمده‌ترین منابع انرژی جهان دارای اهمیت ویژه‌ای است. این منطقه برای اقتصاد جهانی و امنیت انرژی نقشی حیاتی دارد و مناقشات در آن به علت عدم همکاری‌های موثر در قالب هویت جمعی و عدم شکل‌گیری پیمان‌های چندجانبه بسیار بالا است. بحران خشکسالی یکی از جدی‌ترین تهدیدات منطقه خاورمیانه است که روند مدرنیزاسیون بدون توجه به الگوهای ظرفیت محیط‌زیست برای رشد به گسترش این چالش‌ها کمک کرده است در این مقاله بحران خشکسالی از منظر نظریه لیبرالیسم که تکیه بر مالکیت خصوصی و جنبه‌های سودآوری اقتصادی دارد در مقابل نظریه پست‌مدرنیسم که رویکردی انتقادی به مدرنیسم و تأثیرات منفی ناشی از آن دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد هدف اصلی این پژوهش بررسی تفاوت‌های ماهوی از منظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی این دو نظریه است. تفاوت جایگاه محیط‌زیست در روابط بین‌الملل در دوره جنگ سرد و پس از آن بعنوان علت شیفت پارادایم قالب در بررسی مطالعات محیط‌زیست شرایط جدیدی برای نظریه پردازان انتقادی فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، صلح سبز، پست‌مدرنیسم، بحران و پیمان‌های زیست‌محیطی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج abbasmasnavi@gmail.com

مقدمه

بحران‌های زیست‌محیطی یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است، آینده بشر در گرو حفظ و حفاظت از محیط‌زیست قرار گرفته و بحران‌های زیست‌محیطی یکی از مهمترین تهدیدات برای زندگی انسان است. مشکلات زیست‌محیطی دیگر در قید و بند مرزهای نیست و پدیده‌ای فراگیر است زیرا ممکن است اثر اقدامی در کشور آمریکا جنوب غرب آسیا را دچار بحران سازد و این موضوع محیط‌زیست را از پدیده مختص به حاکمیت داخلی یک کشور خارج می‌کند. امروزه محیط‌زیست به مثابه حقوق بشر شمرده می‌شود و حقوق بین‌الملل از آن حمایت می‌کند نقش سازمان‌های بین‌المللی و پیمان‌های چندجانبه زیست‌محیطی در شکل‌گیری حقوق حفاظت از محیط‌زیست نقش بسزایی داشته است که نشان دهنده اهمیت موضوع برای سازمان‌های بین‌المللی است. اما کشورهای در حال توسعه که بیشترین تأثیرات منفی را از بحران‌های زیست‌محیطی دریافت کرده‌اند، قدرت مواجهه با این بحران‌ها را به تنهایی نداشته و نیازمند عزم جهانی برای مقابله با بحران هستند. در میان کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه به علت تنش بالا و وجود بزرگترین منابع انرژی دارای اهمیت فراوان است منطقه خاورمیانه که از منظر اقلیمی محدوده‌ای گرم و خشک است و سطح بارندگی بسیار پایین‌تری نسبت به نرمال جهانی دارد پدیده خشکسالی یکی از بزرگترین تهدیدات آینده آن به شمار می‌رود بحران خشکسالی در خاورمیانه می‌تواند تأثیری مستقیم بر عناصر قدرت ملی کشورهای منطقه گذاشته و امنیت داخلی آنان را با تهدید مواجه کند از اینرو موضوع بحران‌های زیست‌محیطی ارتباط مستقیم با نظام بین‌الملل خواهد داشت و نظریات مسلط در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل نمی‌توانند بدون توجه به محیط‌زیست بعنوان ابزاری فعال عمل کند بدین صورت است که رویکرد لیبرالیسم و پست‌مدرنیسم در این تحقیق با توجه بر ریشه‌شناسی و تفاوت‌های پارادایمی که از آن الگو گرفته‌اند مورد بررسی قرار گرفته و سوال اصلی این پژوهش علت شیفت پارادایمی است که پس از جنگ سرد در دهه ۱۹۶۰ نسبت به بحران‌های زیست‌محیطی اتفاق می‌افتد خواهد بود.

۱- روش‌شناسی (الگوی نظری)

در این پژوهش فرض بر این است که پارادایم پوزیتویسم و پست پوزیتویسم که الگوی شکل‌گیری نظریه‌های لیبرالیسم و پست‌مدرنیسم در روابط بین‌الملل است تأثیر مستقیمی بر نگرش‌های زیست‌محیطی دارد و الگو نگرش مبتنی بر پارادایم در مواجهه با بحران متفاوت است. پارادایم پوزیتویسم اندیشه یافت باوری، عقل‌گرایی یا اثبات‌گرایی ریشه در پروژه روشنگری دارد و اعتقاد دارد پیشرفت وسیع بوسیله دانش امکانپذیر است. پوزیتویسم به دنبال گسترش نگاه علوم تجربی و روش علمی در حوزه علوم انسانی است. این رویکرد الگو معرفت‌شناختی حاکم بر مطالعات روابط بین‌الملل است (عیوضی‌زاد، ۱۳۹۰). پوزیتویسم در روابط بین‌الملل

طی پنج مرحله توسعه یافته است مرحله اول دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به دلیل توجه روابط بین‌الملل به موضوع جنگ، مرحله دوم ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ پس از طرح نظریه مورگنتا در کتاب سیاست میان ملت‌ها که رئالیسم را به جای ایدئالیسم بعنوان رویکرد مسلط مطرح کرد، مرحله سوم ۱۹۵۰ تا اوایل ۱۹۶۰ اوج رویکرد مطالعات عملی و استفاده از روش تجربی در مسائل روابط بین‌الملل، مرحله چهارم در دهه ۱۹۷۰ باتوجه به رشد رویکرد کثرت‌گرایی پوزیتویسم تضعیف شد اما مانعی برای ادامه آن شکل نگرفت و در مرحله پنجم در زمان انتشار کتاب نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز در سال ۱۹۷۹ بار دیگر پوزیتویسم با نظریات نئورئالیسم در روابط بین‌الملل تقویت شد (نیک و مارک، ۱۳۷۹: ۱۹۴-۱۶۷). هدف معرفت‌شناسی پوزیتویسم مهار و پیش‌بینی است نظریات شکل گرفته تحت تأثیر این پارادایم به دنبال علمی‌تر کردن روابط بین‌الملل برای پیش‌بینی آینده هستند این تمایل برای پیش‌بینی آینده و مهار بحران‌ها علت سوق یافتن علم روابط بین‌الملل به سمت معرفت‌شناسی پوزیتویسم است از دیدگاه هستی‌شناسانه باتوجه به نظریات مورگنتا رویکرد پوزیتویسم توجه به هسته مرکزی سیاست بین‌الملل یعنی قدرت است از نظر او مهمترین چیزی که اهمیت دارد به دست‌گیری قدرت و کنترل دیگران است (مورگنتا، ۱۳۷۴). پارادایم پست پوزیتویسم فرایافت باوری که اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط نظریه‌پردازانی مطرح شد که رویکرد یافت باوری به منزله شناخت‌شناسی و روش‌شناسی مناسب برای بررسی روابط بین‌الملل مردود می‌شمرده‌اند. نظریات زن‌باوری، پس‌اساختارگرایی، ۷۱ نظریه انتقادی و پست‌مدرنیسم تحت تأثیر پارادایم پست پوزیتویسم قرار گرفته‌اند. فرایافت باوری تلاشی چندبعدی برای فراخ‌تر ساختن افق‌های شناخت‌شناسی است (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۷۰۷). هدف اصلی فرایافت باوری شالوده‌شکنی است بخشی از نظریه‌پردازان فرایافت باوری تحت عنوان پست‌مدرنیسم هدف خود را نقد متون و گفتمان‌های نظری روابط بین‌الملل که تحت تأثیر پوزیتویسم شکل گرفته است می‌دانند تا تناقضات درونی آنها را آشکار کنند. آنها معتقدند متون دارای تفسیر واحد نیستند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۶۱). از دیدگاه پست پوزیتویسم تنها آگاهی و شناختی که ساخته و پرداخته جامعه است وجود دارد. هیچ جهان واقعی در معنای پوزیتویستی وجود ندارد و واقعیات حقیقی و ذهنی هر دو یکسان دارای اهمیت هستند زیرا ارتباط مستقیمی بین سوژه و ذهن وجود دارد همواره امور اندیشه‌ای بر امور مادی برتری داشته و چون واقعیت ساخته و پرداخته اجتماع است و نمی‌توان صرفاً برای فهم پدیده‌ها به عینیت استناد کرد میان نظریه و عمل تفکیکی نمی‌توان قائل شد بدین ترتیب نظریه‌ها براساس واقعیت شکل نمی‌گیرند بلکه در شکل دادن به واقعیت و تعریف آن نقش موثر دارند (کرافت و تریف، ۱۳۸۱). بدین ترتیب هدف اصلی این پژوهش بررسی تغییر پارادایم از پوزیتویسم به پست پوزیتویسم در موضوعات زیست‌محیطی است که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

جدول (۱) بررسی تطبیقی نگرش کلان پارادایم پوزیتویسم و پست پوزیتویسم

مفهوم	پوزیتویسم (یافت باوری)	پست پوزیتویسم (فرا یافت باوری)
کارگزار	دولت	جمعیت‌های مردمی
اولویت	اعلا	سفلی
قدرت	سخت	نرم
هدف	مهار و پیش‌بینی	شالوده‌شکنی و شناخت‌شناسی
ویژگی	عدم ارتباط سوژه و ذهن	ارتباط مستقیم سوژه و ذهن
شناخت	عینیت	ذهنیت در کنار عینیت
سطح تحلیل	کلان	خرد
دوره اوج فعالیت معاصر	جنگ سرد	پس از جنگ سرد

۲- لیبرالیسم

لیبرالیسم که روابط بین‌الملل را به مثابه بالقوه پیشرفت و تغییر سودمند می‌بیند. تکیه بر آزادی فردی دارد و آن را اصل اولیه خود قرار می‌دهد. لیبرالیسم اعتقاد دارد دولت باید در برابر اقداماتی که می‌توانند آزادی را تضعیف کنند محدود گردد. اما دولت را بازیگر اصلی می‌داند و بر عقلانیت دولت برای کسب بیشتر منافع تأکید می‌کند لیبرالیسم به شدت تحت تأثیر افکار کانت بوده است. نظریات لیبرالی با سنت خوش‌بینی نسبت به واقع‌گرایی نگاهی مثبت به روابط بین‌الملل دارد. جوهر اصلی و بن‌مایه لیبرالیسم خویشتن‌داری، میان‌رویی و صلح است. ماهیت آنارشیستیک نظام بین‌الملل را قبول دارد اما رفتار منطقی دولت‌ها را وسیله‌ای برای صلح‌آمیزتر کردن روابط می‌داند. راهکار دستیابی به عدالت از منظر لیبرالیسم بیشینه‌سازی آزادی است. و عدالت شرط اصلی صلح پایدار است (گریفیتس، ۱۳۹۰). به لحاظ فلسفی و معرفت‌شناختی، «فردگرایی» اصلی‌ترین شاخص فلسفی ایدئولوژی لیبرالیسم است از منظر این ایدئولوژی لیبرالیسم معتقد است انسان‌ها به صورت اتم‌هایی مستقل و خود بنیاد که از خدا و آسمان و دیگر مردمان مستقل و بی‌نیازند فرض و روابط آدمیان با یکدیگر، نوعی روابط کالایی و شیء است (فروم، ۱۳۹۳).

- محیط‌زیست از منظر لیبرالیسم

لیبرالیسم نگاهی تکنوکراتیک به محیط‌زیست دارد در مورد توسعه و آینده آن خوش‌بین است توجه اصلی لیبرالیسم به محیط‌زیست با نگاهی اقتصادی است، اما صرفاً تمام توجه خود را بر بخش بازار نمی‌گذارد و بر تمرکز ساختارهای همکاری جهانی تأکید دارد. لیبرالیسم جایگاه حقوق بین‌الملل و ضوابط محلی را در موضوع محیط‌زیست مهم می‌داند و به جز سازمان‌های حقوقی بین‌المللی نقش مهمی برای دانشگاه‌ها، شرکت‌های

چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی قائل است (ملکی، ۱۳۹۷). آنچه مسلم است، اقتصاد جهانی لیبرال بطور نسبی، به دسترسی آزاد منابع نیاز دارد، که نتیجه آن بروز فاجعه‌های زیست‌محیطی در گذشته بوده است. تحت این شرایط، رژیم نهادگرایی نئولیبرال به میزان لازم می‌کوشد تا در دسرهایی را که توسط فلسفه زیربنایی فایده‌گرایی به وجود آمده است، از بین ببرد بر پایه دیدگاه‌های مبتنی بر آرمان‌گرایی و به ویژه رویکرد نهادگرایی لیبرال شاهد راه‌حل‌های بنیادین و البته تدریجی هستیم که تا حدی مرهمی بر زخم‌های زمین نهاده است. تجربه نشان داده که در کنار شکست‌های بسیار، پاره‌ای نهاد‌های موثر مدیریت جمعی یا رژیم‌ها ایجاد شده‌اند تا از تخریب مشترکات جهانی جلوگیری شود و مشکلات زیست‌محیطی بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. به علاوه، این نظام‌های اداره بین‌المللی، رژیم‌های جدا از هم که با مسائل جزئی سروکار داشته باشند نیستند. حداقل از دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، شکل دادن به الگوهای توسعه پایدار (شامل حفظ تنوع زیستی و جلوگیری از تغییر آب و هوایی زیان‌بخش) یک اصل اساسی است (قوم، ۱۳۸۵). لیبرال‌ها مسائل زیست‌محیطی را از همان ابتدا، به موضوع وابستگی متقابل ربط داده، دولت‌ها را به تعقیب راهبردهای همکاری جویانه فراخواندند و روند فرسایش حاکمیت را پیش‌بینی کردند از همین روست که آنها برای حضور سایر بازیگران در عرصه بین‌المللی نقش و جایگاه ویژه‌ای قائل هستند. بر همین مبنا امروزه در ساختار بین‌الملل بازیگران غیردولتی از جمله تشکل‌های غیردولتی بین‌المللی، نهاد‌های وابسته به سازمان‌های ۷۳ منطقه‌ای و بین‌المللی و غیره در کنار دولت‌ها برای یافتن راه‌حل‌های چالش‌های محیط‌زیستی حائز اهمیت تلقی می‌شوند؛ برنامه محیط‌زیست ملل متحد UNEP، گروه بین‌المللی صید نهنگ IWC، اتحادیه جهانی حفاظت از محیط‌زیست IUCN، دوستداران زمین FOE، صندوق جهانی طبیعت WWF و گروه مشترک کارشناسان حفاظت از محیط دریایی GESAMP از جمله این نهادها هستند که در کنار برخی دیگر از نهاد‌های فنی و تخصصی به دیده‌بانی و راه‌حل‌های کارشناسی در برابر این چالش‌ها مشغول‌اند نظیر: سازمان بین‌المللی درختان جنگلی استوایی ITTO، دادگاه بین‌المللی قوانین دریایی ITLOS، اداره بین‌المللی بستر دریاها ISA و غیره. چنین نهاد‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توانسته‌اند از فرصت‌های جهانی شدن در سال‌های اخیر استفاده کرده و با مشارکت دولت‌های مسؤل و شهروندان به تعمیق مبارزات ضد تخریب محیط‌زیست یاری رسانند. تحقیقات بانک جهانی و دانشگاه آکسفورد نشان می‌دهد که یک جنبه مثبت جهانی شدن این است که جوامع می‌توانند استراتژی‌های موفق کنترل آلودگی‌ها را به یکدیگر انتقال دهند؛ آندونزی با استفاده از یک برنامه مردمی، که کارخانه‌های زیان‌بار و آلوده‌کننده محیط‌زیست را شناسایی و تشکل‌های مردمی را علیه آن صنایع آلاینده بسیج می‌کند، نظام کنترل خود را به شدت بهبود بخشیده است. جوامع دیگر با فراگیری این راهبردها هم اکنون در حال ارائه برنامه‌های مشابه هستند (بانک جهانی، ۱۳۸۷).

۳- پست‌مدرنیسم

رویکرد فرامدرنیته و واکنشی است نسبت به شیوه‌ها و روش‌های علمی و آن جهان‌بینی خاص که همه انسان‌ها را در جهان با یک عینک می‌بیند. پست‌مدرنیسم واکنشی است نسبت به ندیدن تفاوت‌ها و حرکت‌هایی که به سمت تک‌بعدی شدن انسان انجام می‌شود. پست‌مدرنیسم در ماهیت خود رویکردی است که به نقد مدرنیته شکل گرفته و اعتقاد دارد نتیجه عقلانیت بر خواسته از مدرنیسم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و کنار گذاشتن ملاحظات اخلاقی است. از منظر معرفت‌شناسی پست‌مدرنیسم شناخت عینی در مورد پدیده‌های اجتماعی را مردود می‌داند و این عقیده که برای درک پدیده‌ها می‌توان از شناخت عینی استفاده کرد را نمی‌پذیرد در دیدگاه پست‌مدرنیسم فراروایت رد می‌شود و این اندیشه بعنوان نظریه‌ای ساختارشکن و انتقادی مطرح است که از منظر روش‌شناسی می‌توان گفت پست‌مدرنیسم ساخت گشایی، تحلیل تفسیرآمیز، تحلیل گفتمان و تبارشناسی است. پست‌مدرنیسم در روابط بین‌الملل به دنبال یک رویکرد بینامتنی است که در آن هیچ داور نهایی برای تشخیص حقیقت وجود نداشته باشد پست‌مدرنیسم تحت تأثیر آثار افرادی همچون گوته، نیچه و مارتین هایدگر قرار گرفته است.

- محیط‌زیست از منظر پست‌مدرنیسم

۷۴

پست‌مدرنیسم معتقد است که میان پیشرفت تکنولوژی و حرکت به سمت مدرنیته با بحران‌های زیست‌محیطی ارتباط مستقیمی وجود دارد. شکل‌گیری بحران‌های زیست‌محیطی در اثر کارکردهای مخرب مدرنیسم در محیط‌زیست به وجود آمده. از منظر پست‌مدرنیسم انسان و طبیعت در گذشته در ارتباط نزدیک با یکدیگر بودند اما تفکرات ناشی از شکل‌گیری مدرنیسم منجر به جدایی بین انسان و محیط‌زیست را به وجود آورد. زیرا انسان مدرن نگاهی ابزاری به محیط‌زیست دارد و می‌خواهد با تسلط خود بر طبیعت برای کسب منافع مالی و رسیدن به رفاه اقدام کند دیدگاه پست‌مدرنیسم معتقد است مدرنیسم تنها به منافع مادی بها می‌دهد و طبیعت را ابزار تحقق اهداف خود قرار داده است پست‌مدرنیسم برای رفع بحران‌های زیست‌محیطی حاصل از مدرنیته دو راهکار کلی دارد اول اتحاد از طریق همکاری‌های بین‌المللی و دوم تغییر الگوهای توسعه اقتصادی و اجتماعی به منظور متعادل نمودن الگوی منحنی رشد زیرا این برنامه‌ریزی‌های کلان را در خدمت اهداف مدرنیسم و آسیب‌رسان به محیط‌زیست می‌داند. این رویکرد در شکل افراطی خواهان حذف آثار مدرنیسم در طبیعت است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۷۱). بطور کلی تفکر پست‌مدرنیسم به دنبال احیا و حفظ محیط‌زیست بشر است و بهره‌برداری‌های اقتصادی بدون توجه به ظرفیت را که در چهارچوب نظریه لیبرالیسم مورد استفاده قرار می‌گیرد مردود می‌داند. پست‌مدرنیسم با هدف انتقاد و عبور از رویکرد دنیای مدرن که به آن را علت اصلی آسیب‌های زیست‌محیطی می‌داند به دنبال جهانی است که

زندگی در کنار محیط‌زیستی سالم ادامه یابد. این رویکرد در حوزه محیط‌زیست پانزده سال پس از جنگ جهانی دوم و در دهه ۱۹۶۰ که در پی تأثیرات ناشی از توسعه اقتصادی کشورها منجر به اهمیت محیط‌زیست و شکل‌گیری بحران‌های جدی شد مورد توجه قرار گرفته و پس از پایان جنگ سرد بعنوان رویکردی دارای با اهمیت بالا در حوزه محیط‌زیست مطرح شد که نظریه صلح سبز تحت تأثیر آن شکل گرفته است (مثنوی، ۱۳۹۷).

جدول ۲) بررسی تطبیقی نگرش کلان لیبرالیسم و پست‌مدرنیسم

مفهوم	لیبرالیسم	پست‌مدرنیسم
قدرت	عینی	ذهنی
بازیگر اصلی	دولت	مردم
سطح تحلیل	فرد و دولت	انسان
محیط‌زیست	اولویت از منظر نگاه مادی	اولویت برای ادامه حیات بشر
منافع	فردی	بشری
اولویت اصلی	مالکیت خصوصی و آزادی	انتقاد به مدرنیسم
تحت تأثیر پارادایم	پوزیتیویسم	پست پوزیتیویسم

۷۵

۴- مقایسه رویکرد مدیریت مدرن و پست‌مدرن

یکی از الزامات مدیریت پست‌مدرن تجربه کردن دوران مدرنیسم است، نمی‌توان پست‌مدرن اندیشید و از مدرنیسم شناختی نداشت. کشورهای خاورمیانه که در قالب کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه قرار می‌گیرند در مرحله گذار از سنت به مدرنیسم هستند و در بسیاری از موارد رویکردی سنتی دارند بدین ترتیب می‌توان گفت دوران مدرنیسم بکلی در این منطقه کامل شکل نگرفته و الزامات جامعه پست‌مدرن را دارا نمی‌باشند.

جدول ۳) تفاوت‌های نحوه مدیریت مدرن و پست‌مدرن

ویژگی‌های مدیریت کلان مدرن	ویژگی‌های مدیریت کلان پست‌مدرن
بروکراسی دقیق و رفتار قانونمند با تکیه بر دانش واقعی تقسیم قدرت بر اساس جایگاه سازمانی و هرم طبقه‌بندی شده در چارچوب دولت	تقسیم‌بندی امور بر اساس ترجیحات افراد، نقش دادن به گروه‌های غیردولتی سازمان‌های مردم‌نهاد
تقسیم کار بر اساس تخصصی نمودن وظایف و کسب سود حداکثری	تقسیم کار بر اساس شکل دادن به فرآیند مدیریت و در نظر گرفتن مصالح جمعی
نگاه کسب سود قابل اندازه‌گیری و تأکید بر سود اقتصادی	نگاه بشردوستانه و توجه به منافع غیرمادی

۵- بحران خشکسالی در خاورمیانه

خشکسالی پدیده‌ای اقلیمی و یک فاجعه طبیعی است که در یک منطقه معین در اثر کمبود بارش باران اتفاق می‌افتد. خشکسالی تأثیر مستقیمی بر اکوسیستم و کشاورزی منطقه دارد عوامل تأثیرگذار در گسترش خشکسالی به فعالیت‌های انسانی باز می‌گردد. عدم مدیریت کشاورزی، آبیاری بی‌رویه، قطع درختان، جنگل‌زدایی و فرسایش خاک ناشی از فعالیت‌های انسانی از جمعه عوامل تشدید کننده خشکسالی است (Hofman, 1997). عامل مهم دیگر در گسترش خشکسالی تغییرات آب و هوایی است تغییرات اقلیمی الگوی طبیعی را به هم می‌ریزد و موجب گسترش خشکسالی در مناطق کشاورزی و وقوع بارندگی در مناطق دیگر خواهد شد که عامل شکل‌گیری سیل و فرسایش خاک خواهد شد (scholar, 2005). خشکسالی به سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌شود اول: خشکسالی هواشناسی زمانی که میزان بارش باران از حد متوسط کمتر است، خشکسالی کشاورزی زمانی که محصولات کشاورزی در محیط نامساعد و با آبیاری غلط کشت شود، و سوم کاهش منابع ذخایر آبی شامل آبخوان‌ها، دریاچه‌ها و مخازن سدها است (swain, 2017). تأثیرات خشکسالی می‌توان به سه بخش محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد.

- آثار و پیامدهای خشکسالی

۷۶

(۱) از دست رفتن تنوع زیستی در اثر خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها؛

(۲) رشد آفات گیاهی؛

(۳) آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع؛

(۴) کاهش تولید محصولات کشاورزی؛

(۵) عدم تأمین نیاز شهروندان؛

(۶) وابستگی تأمین محصولات کشاورزی؛

(۷) افزایش هزینه‌های تمام شده تولیدات؛

(۸) تأثیر منفی بر سلامت افراد؛

(۹) افزایش فاصله کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه؛

(۱۰) کاهش کیفیت آب و آلودگی آن؛

(۱۱) تهدید حیات وحش؛

(۱۲) سوء تغذیه؛

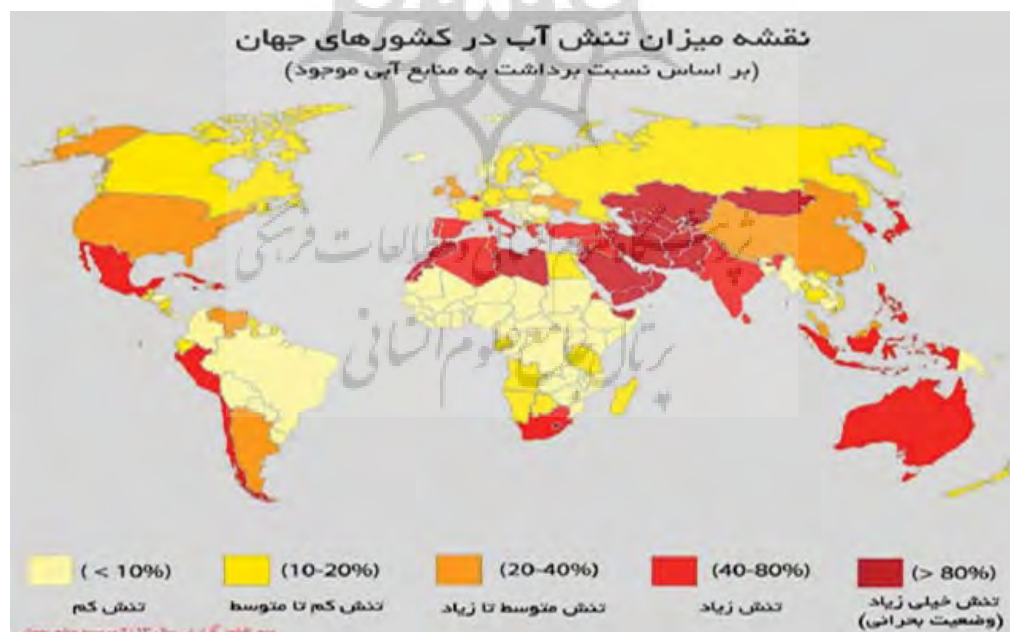
(۱۳) کاهش تولید برق از نیروگاه‌های برق آبی؛

(۱۴) وقوع ناآرامی‌های اجتماعی؛

(۱۵) جنگ بر سر منابع طبیعی و غیره (sergiusz, 2015).

منطقه خاورمیانه از کم‌باران‌ترین نواحی جهان است. این منطقه دارای قسمت‌های عظیمی از بیابان و دشت کویر است. گرچه برخی از نواحی این منطقه دارای باران خوبی است اما عمدتاً می‌توان آن را جزء مناطق خشک جهان دانست، بدین ترتیب مشکل بی‌آبی و خشکسالی عمده‌ترین مشکل زیست‌محیطی در ناحیه خاورمیانه است. که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی این ناحیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. موضوع آب یکی از درگیری‌های آینده جامعه جهانی است که در منطقه خاورمیانه بیشتر نمایان است و از آنجائیکه موضوعات ساده در این منطقه قابلیت تبدیل شدن به بحران را دارد مواجه با این مشکل و حل آن یک ضرورت به شمار می‌رود (عسگری، ۱۳۸۹). در حال حاضر سه کشور عراق، سوریه و ترکیه بر سر سهم آب دجله و فرات اختلاف‌نظر شدیدی دارند. سودان و مصر نیز در حوزه رود نیل اختلاف‌نظر دارند ایران و افغانستان بر سر مدیریت منابع آبی ورودی هیرمند اختلاف داشته و اسرائیل، لبنان و سوریه نیز بر سر منابع آب مشترک اختلاف دارند. این موضوعات در حوزه روابط منطقه‌ای است اما این کشورها در درون خود نیز با کاهش سطح ذخایر آبی مواجه شده و به علت کمبود تکنولوژی و مدیریت نوبین منابع آبی دچار مشکلات داخلی نیز هستند (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۴).

۷۷



شکل (۱) نقشه میزان تنش آب در کشورهای جهان

باتوجه به نقشه فوق در شکل (۱) منطقه خاورمیانه یکی از پرتنش‌ترین مناطق آبی جهان است. این منطقه با مشکلات شدیدی همچون، درگیری‌های قومی، جنگ‌های داخلی، حضور تروریسم و سایر مشکلات امنیتی مواجه است که نقش آب در امنیت آن بسیار پراهمیت است کمبود منابع آب می‌تواند تنش‌های موجود را افزایش دهد و یا موجب شکل‌گیری دور جدیدی منازعات و بروز تنش‌های جدید شود، تقاضای مصرف آب در منطقه خاورمیانه رو به افزایش است که سطح منابعی آبی در حال کاهش است بگونه‌ای که جدی‌ترین دغدغه زیست‌محیطی دولت‌های منطقه تأمین آب مصرفی برای کشور است. بسیاری از کشورهای خاورمیانه حوزه‌های آبی مشترک دارند و براساس پیش‌بینی مرکز مطالعات استراتژیک واشنگتن در سال ۱۹۸۸ درگیری بر سر حوزه‌های مشترک آبی نیز یکی از مشکلات آینده مدیریت منابع آبی خاورمیانه است. آب یکی از موضوعات مهم زیست‌محیطی است که در دهه ۱۹۹۰ بیشترین توجه دستور کار سازمان ملل متحد را به خود جلب کرد و تأمین آب آشامیدنی کافی یکی از مهمترین هدف کشورها در این دهه بوده است. زیرا به علت رشد جمعیت و گرم شدن کره زمین آب اهمیت بسیار بالاتری نسبت به قبل پیدا کرده است (خدارحم و همکاران، ۲۰۱۰). در بحران خشکسالی خاورمیانه نقش چند دولت منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران، عربستان، کشورهای عربی، ترکیه و اسرائیل در این میان ترکیه باتوجه به سرمایه‌گذاری برای گسترش ظرفیت‌های منابع آبی و مصرف بهینه وضعیت بهتری در مدیریت منابع آبی داشته و اسرائیل نیز در حال توسعه منابع آبی است. ایران با مشکلات جدی در مدیریت مصرف آب مواجه است که این مشکل را درک کرده و در حال برطرف کردن نواقص عملیاتی است، شروع فرهنگ‌سازی در خصوص مصرف بهینه آب، تغییر سیستم آبیاری کشاورزی از جمله اقدامات ایران برای مهار بحران خشکسالی است در این میان کشورهای عربی بعنوان مجری طرح‌های غربی از تکنولوژی‌های بومی محروم‌اند و به صورت وابسته در حال بکار بستن تجهیزات خارجی در کشورهای خود هستند که به علت فقدان بومی‌گرایی زیست‌محیطی و عدم انتقال دانش می‌تواند در آینده برای این کشورها مشکلاتی را به وجود آورد. کشور امارات متحده عربی با رویکرد ساخت سازهای بی‌رویه و احداث جزایر مصنوعی یکی از مخاطرات زیست‌محیطی جدی برای منطقه به شمار می‌رود و عدم همکاری‌های کشورها در حوزه زیست‌محیطی در مواقع خشکسالی باعث شکل‌گیری درگیری‌ها بر سر حق آبه و همچنین بروز پدیده‌هایی همچون حمله حشرات و افت، ریزگردها و انتقال آلودگی ناشی از آن در منطقه شود. به نظر می‌رسد عدم شکل‌گیری هویت جمعی در قالب پیمان مشترک بر سر موضوع محیط‌زیست در منطقه بزرگترین خلأ برای حفاظت از محیط‌زیست به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

پارادایم پوزیتویسم که پارادایم قالب و الگو اجرایی در زمان جنگ سرد بوده است نسبت به مسائل زیست‌محیطی با نگاهی برای ابزار کسب قدرت نگریسته است، در زمان انعقاد پیمان‌های زیست‌محیطی که تحت تأثیر پوزیتویسم شکل گرفته این حقیقت که منافع ملی کشورها بر منافع بشری ترجیح داده شده کاملاً مشهود است و کشورهای در حال توسعه مخصوصاً در حوزه خاورمیانه که بزرگترین تولید کننده انرژی جهان به شمار می‌روند از این رویکرد دچار آسیب شده‌اند. در این مقاله که نظریه لیبرالیسم بعنوان نظریه‌ای تحت تأثیر الگوهای پوزیتویسم مطرح شده است با معیار قرار دادن مسائل اقتصادی و آزادی مالکیت خصوصی در ابتدا بهره‌برداری بی‌رویه از منابع زیست‌محیطی را با هدف کسب منافع ملی و تقویت بخش‌های مالکیت خصوصی مجاز دانسته و جزء ابزارهای کسب قدرت تلقی کرده است، در عصر کنونی نیز که لیبرالیسم خواهان مشارکت عمومی دولت‌های جهان برای شکل‌گیری سازمان‌ها و پیمان‌های زیست‌محیطی است به آن دلیل است که آسیب‌های زیست‌محیطی حوزه اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده و تهدیدی بزرگ برای روند توسعه اقتصادی به شمار می‌رود به همین دلیل می‌توان گفت دغدغه اصلی لیبرالیسم محیط‌زیست نبوده و توجه آن صرفاً با هدف تأمین منافع اصلی مورد نظر خود است. اما پارادایم پست پوزیتویسم که در سال‌های پس از جنگ سرد مورد توجه جدی‌تر قرار گرفت بر پایه فریافت باوری استوار است، بدین ترتیب به مسائل انسانی و ارتباط ذهن و سوژه توجه ویژه نمود، دغدغه اصلی پست پوزیتویسم برخلاف پوزیتویسم صرفاً مسائل قابل مشاهده نبود و در مورد تأثیر متقابل پدیده‌ها بیان نظر کرده است در این مقاله که پست‌مدرنیسم بعنوان نماینده الگو گرفته از پارادایم پست پوزیتویسم بررسی شده مسائل انسانی و ارزش‌های آن بسیار مورد اهمیت قرار داده است، یکی از محورهای توجه پست‌مدرنیسم مسائل زیست‌محیطی است که تأثیر عوامل مدرنیزاسیون بر محل زیست بشر را مورد بررسی و نقد قرار داده است. از منظر پست‌مدرنیسم مدرن شدن بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی که توسط رویکرد لیبرالی در نظام بین‌الملل به کشورهای در حال توسعه القا می‌شود نقش بسیار گسترده‌ای در تخریب محیط‌زیست دارد. پست‌مدرنیسم برخلاف لیبرالیسم منافع اقتصادی و فردی را ملاک اولیه قرار نداده و محیط‌زیست را فراتر از وسیله‌ای برای کسب سود مطالعه می‌کند. در بحران خشکسالی خاورمیانه نقش تنش‌های قومیتی و عدم ارتباط موثر کشورهای همسایه از عوامل اصلی بحران به شمار می‌رود، مسائلی که تحت تأثیر الگو مدرنیزاسیون لیبرالی منجر به توسعه بی‌رویه کشورها بدون مطالعه کارشناسی در حوزه آبی شده است، اهمیت کسب منافع و مالکیت خصوصی در این کشورها با توجه به زیرساخت عدم مدیریت مناسب منجر به تشدید بحران گردیده و از آنجائیکه محیط‌زیست هدف ثانویه برای تفکر لیبرال به شمار می‌رود تا دهه‌های اخیر دغدغه جدی برای خاورمیانه نداشته است. بدین ترتیب رویکرد

پست‌مدرن که محیط‌زیست را در کانون توجه خود قرار داده و در خصوص آثار و پیامدهای مدرنیزاسیون بدون برنامه‌ریزی و ملاک قرار دادن توسعه اقتصادی در دیدگاه خود هشدار داده است به خوبی وضعیت بحران زیست‌محیطی خاورمیانه را تحلیل می‌کند. و علت شیفت پارادایمی در مطالعه محیط‌زیست در سال‌های اخیر آن است که رویکرد پوزیتویسم نمی‌تواند بحران‌هایی غیرمادی و غیرقابل مشاهده زیست‌محیطی که تأثیرات زیادی در عناصر قدرت ملی کشورها می‌گذارد را به شمار آورد و پس از جنگ سرد به علت عدم پیش‌بینی‌های صحیح با چالش مواجه گردیده به سمت پست پوزیتویسم شیفت می‌کند تا رویکرد فرایافت باوری در قالب نظریه‌های جدید بتواند پدیده غیرمادی محیط‌زیست را از منظر عینی و انتزاعی مورد بررسی قرار دهد اما از آنجا که رویکرد دولت‌های خاورمیانه به علت طی دوران گذار میان سنت و مدرنیته هنوز به صورت کامل مدرن نشده است نگاه این دولت‌ها به موضوعات امنیت ملی، سود اقتصادی، توسعه منافع، سیاست داخلی و سیاست‌های خارجی براساس انگاره‌های پوزیتویستی و لیبرالیستی دوران مدرن است بدین ترتیب از درک تأثیرات مسائل زیست‌محیطی بر آینده خود غافل شده‌اند و می‌توان گفت این غفلت در صورت عدم توجه بحران‌های جدیدی در منطقه پرچالش خاورمیانه ایجاد خواهد نمود.

فهرست منابع

۸۰

فارسی:

- ۱- بانک جهانی (۱۳۸۷)، جهانی شدن، رشد و فقر، مترجم: صابر شیبانی، چ ۱، تهران: نشر نی.
- ۲- خدارحم، بزی و دیگران (۲۰۱۰)، «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- ۳- عسگری، سهراب (۱۳۸۹)، «تخریب محیط‌زیست خاورمیانه و ناامنی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلامی.
- ۴- عیوضی‌زاد، حسن (۱۳۹۰)، «مطالعات بین‌المللی از منظر اثباتی و فرا اثباتی در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴ ش ۱۷.
- ۵- فروم، اریک (۱۳۹۳)، بحران روانکاوی، مترجم: اکبر تبریزی، تهران: انتشارات مروارید.
- ۶- فهیمی، عزیزاله و مشهدی، علی (۱۳۸۸)، «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی»، فصلنامه فلسفی-کلامی دانشگاه قم، س ۱۱، ش ۱.
- ۷- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چ ۱۰، تهران: انتشارات سمت.
- ۸- کرافت، استوارت و تریف، تری (۱۳۸۱)، «چرخش به سوی پست پوزیتویسم»، مترجم: علیرضا طیب، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۵.

- ۹- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۱۰- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نی.
- ۱۱- مثنوی، عباس (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی رویکرد دولت آمریکا و چین نسبت به عهدنامه های محیط‌زیستی»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- ۱۲- مجتهدزاده، پیروز و عسگری، سهراب (۱۳۸۴). **جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک**، تهران: انتشارات پیام نور.
- ۱۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). **تجددگرایی و روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۴- ملکی، عباس (۱۳۹۷). «سیاست‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه»، **نشریه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸.
- ۱۵- نیک، رنگر و مارک، هافمن (۱۳۷۹). **مدرنیته، پست‌مدرنیسم و روابط بین‌الملل**، مترجم: مجید محمدی، تهران: انتشارات هرمس.
- ۱۶- هانز جی، مورگنتا (۱۳۷۴). **سیاست میان ملت‌ها**، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

لاتین:

۸۱

- 17- Nigerian Scholar Links Drought (2005). Climate Change to Conflict in Africa - US Department of State state.gov. Archived from the original.
- 18- Prokurat, Sergiusz (2015). Drought and water shortages in Asia as a threat and economic problem Journal of Modern Science
- 19- Swain, S et al. (2017). Application of SPI, EDI and PNPI using MSWEP precipitation data over Marathwada, India. IEEE International Geoscience and Remote Sensing Symposium.
- 20- Vern Hofman; Dave Franzen (1997). Emergency Tillage to Control Wind Erosion. North Dakota State University Extension.